

توسعه و مبانی فرهنگی آن

کاری از: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

❖ تدوین و تنظیم: مراد مهدی‌نیا

اشاره

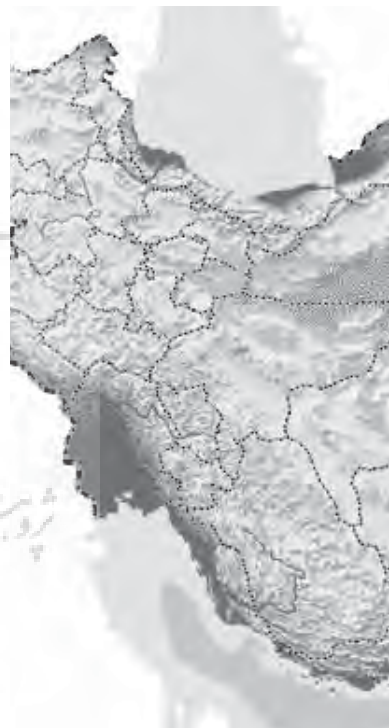
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در آستانه طراحی و تدوین برنامه پنجساله چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۳) به انتشار گزارشی دست زد که با عنوان «مبانی فرهنگی توسعه» در همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران (تهران - ۱۳۸۱) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. گزارش مذکور که با همکاری اسنادان و صاحب‌نظرانی چون: دکتر حمید آیت‌اللهی، دکتر محسن الویری، دکتر احمد توکلی، دکتر داود دانش‌جعفری، شادروان دکتر علی محمد کاردان، دکتر محمد نهاوندیان و دکتر هادی همایون ارائه و منتشر شده است، در پنج بخش بر ارتباط و تعامل فرهنگ و اقتصاد و توجه خاص به نهادهای فرهنگی تأکید می‌ورزد و به سه محور زیر به‌عنوان الزام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه در ایران امروز می‌نگرد:

- بررسی و ارزیابی وضعیت فرهنگی کشور بر اساس شاخص‌های فرهنگی تعریف شده و متناسب با فرهنگ بومی؛
- بررسی آثار و پیامدهای برنامه‌های اقتصادی توسعه بر فرهنگ و ریشه‌یابی اقتصادی پدیده‌های فرهنگی؛
- بررسی آثار و پیامدهای وضعیت فرهنگی کشور بر اقتصاد و ریشه‌یابی پدیده‌های اقتصادی.
فرازهایی از این گزارش تحلیلی و علمی را با هم می‌خوانیم؛ گزارشی که دارای آموزه‌های بسیار برای دست‌اندرکاران سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و برنامه‌ساز در رسانه ملی و صدای جمهوری اسلامی است:

درباره فرهنگ

برای فرهنگ تا بیش از پانصد تعریف برشمرده‌اند. این تعاریف از ابعاد و جوانبی مختلف قابل دسته‌بندی هستند؛ همچون:

- ارزشی و دانشی؛
- هنری، عرفانی، علمی و فناورانه؛
- فکری، ارزشی و هنجاری.
در بررسی مجموع تعریف‌های ارائه‌شده از فرهنگ می‌توان دریافت که به نحوی به اجزا و عناصر فرهنگی یاد شده زیر اشاره شده است:
- باورها، ارزش‌ها، رفتارها، رویه‌ها، اندیشه‌ها، نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها، عادت‌ها، سنت‌ها، ادبیات، هنر، عقاید، زبان، احساسات ملی، ایده‌ها، آرمان‌ها، افکار، آداب و قوانین.



همچنین از بررسی تعاریف ارائه شده برای فرهنگ، وجوه مشترک میان این تعاریف را به شرح زیر می‌توان استنباط کرد:

- فرهنگ تمامی ابعاد زندگی؛ اعم از فردی، اجتماعی و نیز مادی و معنوی انسان را دربرمی‌گیرد.

- فرهنگ امری اکتسابی، قابل انتقال و آموختنی است.

- فرهنگ در جامعه عهده‌دار قوام، همگرایی و یگانگی اجتماعی است.

- فرهنگ، امری پویا و در حال تحول و دگرگونی است.

درباره توسعه

«توسعه» واژه‌ای پیچیده است. این واژه همچون بسیاری از واژگان علمی، از غرب به ادبیات ملی راه یافته است. این واژه در فرهنگ علمی غرب، دارای تعاریف و شاخص‌های ویژه و متناسب خود است. از این رو در کشورهای درحال توسعه بسیاری از اوقات از واژه توسعه همان مفهوم مدرن شدن (Modernization) و غربی شدن (Westernization) برداشت می‌شود. بنابراین تلقی از مفهوم توسعه است که برخی از دست‌اندرکاران امور اقتصادی، فرایند توسعه را نوعی مهندسی اجتماعی قلمداد می‌کنند.

با آشکارشدن آثار و پیامدهای ناپسندیده و چنین برداشتی از «فرایند توسعه و مهندسی اجتماعی»، بازاندیشی در مفهوم توسعه متناسب با فرهنگ بومی ملت‌ها و با تأکید بر عناصر غنی و آموزه‌های مساعد فرهنگی برای تحقق برنامه‌های توسعه، ضرورتی انکارناپذیر است.

از بررسی تعاریف پرشمار توسعه، می‌توان به استنباط چند نکته مشترک میان این تعاریف دست زد:

- در فرایند توسعه، انسان هم هدف و هم وسیله توسعه تلقی می‌شود.

- هدف توسعه، تأمین رفاه مادی و معنوی انسان به‌طور همزمان است.

- رفاه مادی و معنوی انسان در فرایند توسعه، از سوی فرهنگ تعریف و حمایت می‌شود.

- توسعه با توجه به شرایط محیط‌زیست طبیعی، انسانی و اجتماعی هر ملت تعریف می‌شود.

همچنان که از نکات یادشده درباره تعریف

توسعه برمی‌آید، فرایند توسعه همه جوانب و شئون حیات اجتماعی و انسانی را دربر می‌گیرد و از همه فرصت‌ها، توانایی‌ها و ذخایر طبیعی، انسانی و تمدنی برای گام برداشتن به سطح بالاتری از رفاه مادی و معنوی سود می‌جوید. چنین توسعه‌ای را که بر شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی هر کشور استوار باشد، می‌توان «پایدار» نامید.

تعامل فرهنگ و توسعه

با توجه به وجوه مشترک هر گروه از تعاریف ارائه شده درباره فرهنگ و توسعه در زمینه «ارتباط و تعامل فرهنگ و توسعه» بر نکات زیر تأکید می‌شود:

- تصور مردم درباره توسعه، باور و اعتقاد آنها به سودمندی آن، و برخورداری از اراده و دانش و مهارت‌های لازم که در پیشبرد و تحقق برنامه‌های توسعه ضروری است، بخش مهمی از فرهنگ عمومی را تشکیل می‌دهد.

- انسان در جست‌وجوی گزینه‌های مناسب برای بهبود زندگی مادی و معنوی خویش از طریق اندیشه، علم و دانش، تدبیر، فنون، مهارت، عقاید، سنت‌ها و عادات رفتار می‌کند که همگی تجلی فرهنگ به‌شمار می‌روند.

- فرهنگ، بخش بنیادین زندگی فردی و اجتماعی است و قدم آغازین و هدف نهایی توسعه نیز بر انسان‌هایی متمرکز است که واجد خصوصیات فرهنگی مشترک هستند.

- توسعه اقتصادی در گرو توسعه فرهنگی است و فرهنگ از طریق ایجاد انگیزه‌های کار و تلاش و ارزش‌گذاری تولید بر زندگی اقتصادی جامعه اثر مستقیم دارد.

- ارتقای سطح فرهنگی جامعه شامل آموزش نیروی انسانی، افزایش مهارت‌ها، تقویت روحیه وجدان کاری و انضباط اجتماعی، ترویج روحیه مشارکت و مسئولیت‌پذیری در افزایش کارایی اقتصادی و راندمان تولید و بازدهی سرمایه‌گذاری مؤثر است.

- نهادهای فرهنگی جامعه از قبیل خانواده، مسجد، مدرسه، دانشگاه، حوزه علمیه، انجمن‌های علمی و ادبی و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای از طریق ترویج، کاوش، بازاندیشی، تعدیل، اصلاح و انتقال مفاهیم و موضوعات اساسی اقتصادی همچون مالکیت، ثروت، ارزش کار، تولید، مصرف، پس‌انداز، واسطه‌گری، سرمایه، فناوری، حقوق کارگر،

حقوق کارفرما، بخش دولتی، بخش خصوصی، بخش تعاونی و مانند اینها به‌طور تعیین‌کننده و مستقیم در جهت‌گیری و ساز و کار نظام اقتصادی جامعه نقش دارند.

- در مطالعه ارتباط فرهنگ و اقتصاد، علاوه بر تدقیق درباره آسیب‌پذیری‌ها و تعارضات احتمالی و متقابل فرهنگ و اقتصاد از یکدیگر، بهره‌گیری از نقاط قوت فرهنگ و آثار مثبت و مساعد آن بر اقتصاد باید همواره مدنظر باشد.

- بهبود وضعیت معیشت و رعایت عدالت اقتصادی و اجتماعی بر تعادل روحی و معنوی انسان‌ها، کاهش جرم و بزهکاری، گسترش اخلاق و ارزش‌های معنوی و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه تأثیر انکارناپذیر دارد.

- رواج اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی، اسراف و تبذیر، فساد مالی و اداری و رعایت‌نکردن آداب تجاری و اخلاق اقتصادی، موجب انحطاط فرهنگ جامعه و اضمحلال ارزش‌های اجتماعی است.

وظایف نهادها

نهاد دولت در حوزه فرهنگ جامعه نیز همچون سایر عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وظیفه‌مند است، گرچه وظیفه‌مند و مکلف بودن دولت، لزوماً به معنای مداخله مستقیم در اجرا و تصدی‌گری امور فرهنگی نیست. دولت می‌تواند با فراهم کردن چارچوب حقوقی، سیستم نظارتی و ارزیابی و زمینه و بستر مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی نهادها، جامعه را جهت عهده‌داری و اجرای برنامه‌های فرهنگی در راستای سیاست‌های فرهنگی موردنظر هدایت و حمایت کند.

دولت باید ضمن سیاست‌گذاری‌های هدایت‌کننده و تشویقی در امور فرهنگی، میدان را برای عهده‌داری و اجرای برنامه‌های فرهنگی به نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه واگذار کند. نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همچون خانواده، مدرسه، مسجد، دانشگاه، حوزه علمیه، انجمن‌های علمی، انجمن‌های ادبی، اصناف و ... بازیگران اصلی عرصه فرهنگ و مؤثر در نحوه رقم‌خوردن ارتباط و تعامل شئون فرهنگی و امور اقتصادی جامعه هستند. نهادهای اجتماعی و فرهنگی یادشده از طریق بازآفرینی، ارزیابی، اصلاح، تعدیل و انتقال مفاهیم و مقولات فرهنگی دخیل در فعالیت‌های اقتصادی همچون کار، مالکیت،



بهبود رفاه مادی و معنوی جامعه بدون توجه به نقش نهادهای اجتماعی و فرهنگی در فرایند توسعه و تعریف اهداف و برنامه‌های مشخص هر نهاد در راستای اهداف تعیین شده برنامه توسعه کشور، میسر نیست.

ثروت، سود، شرکت، تولید و ... به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در جهت‌دهی به سازوکار اقتصادی و فرهنگی جامعه و ارتقا و انحطاط آنها ایفای نقش می‌کنند. با عنایت به ارتباط و تعامل فرهنگ و توسعه، بهبود رفاه مادی و معنوی جامعه بدون توجه به نقش نهادهای اجتماعی و فرهنگی در فرایند توسعه و تعریف اهداف و برنامه‌های مشخص هر نهاد در راستای اهداف تعیین شده برنامه توسعه کشور، میسر نیست.

اصول سیاستگذاری فرهنگی

وظیفه دولت در حوزه فرهنگ جامعه به‌طور عمده در حیطه سیاستگذاری‌های فرهنگی است. طبیعی است که سیاستگذاری فرهنگی در صورتی موفق خواهد بود که اصول اعتقادی روان‌شناختی و تعلیم و تربیتی در آن لحاظ شده باشد. مهم‌ترین نکاتی که در سیاستگذاری فرهنگی، رعایت آنها توصیه می‌شود، عبارتند از:

- در سیاستگذاری فرهنگی، شأن و شخصیت و کرامت انسانی افراد رعایت شود. شخصیت و کرامت انسان که وجه تمایز آن از سایر موجودات است، با دو ویژگی «اندیشه» و «اختیار» تعریف می‌شود. هیچ سیاست فرهنگی بدون رعایت این دو خصلت ذاتی انسان موفق نخواهد بود و آنچه از این رهگذر حاصل شود، ظاهری و کوتاه‌مدت است.

- آمریت و بخشنامه‌ای عمل کردن در امور فرهنگی با کرامت انسانی آحاد جامعه مبنی بر متفکر بودن و مختار بودن آنها در تضاد است؛ زیرا آمریت در امور فرهنگی یا از عهده متقاعد کردن افراد بر نمی‌آید و یا اختیار آنها را نادیده می‌گیرد.

وضعیت فرهنگی مطلوب

از آنجایی که برنامه‌ریزی کلان اصولاً از طریق تخصیص منابع اقتصادی در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف عملی می‌شود، برای نشان دادن وضعیت بخش فرهنگ لازم است ابتدا جایگاه امور فرهنگی به صورت نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در یک تحلیل اقتصادی فردی، اگر نیازهای اساسی انسان محدود به خوراک، پوشاک، مسکن و سلامت جسمی و محیطی در نظر گرفته شود، همه خواست‌ها و نیازهای دیگر انسان که اساساً به زندگی اجتماعی مربوط می‌شود، بیشتر از آنکه جنبه مادی و معیشتی (اقتصادی) داشته باشد، دارای وجه فرهنگی است. به همین لحاظ است که اصولاً انسان را موجودی اجتماعی و فرهنگی تعریف کرده‌اند. به این ترتیب، برنامه‌ریزی برای امور فرهنگی نیز در کنار برنامه‌ریزی کلان برای خواست‌ها و نیازهای فرهنگی جامعه مانند جوابگویی به خواست‌های معیشتی مورد توجه قرار می‌گیرد. با این مقدمات، طراحی وضعیت مطلوب برای فرهنگ مستلزم ارائه تعریف جامع و همه‌جانبه‌ای از نیازهای فرهنگی در مفهوم کامل آن است.

اگر نیازهای انسان را بنا بر اولویت‌های مادی حیات طبقه‌بندی کنیم، موارد اصلی به صورت زیر خلاصه می‌شود:

الف- نیازهای مادی و معیشتی؛ چون: خوراک، پوشاک، مسکن، سلامت و محیط طبیعی.

ب- نیازهای اجتماعی و فرهنگی عمومی؛ چون:

- استقلال و هویت فرهنگی عمومی؛

- نظم، امنیت عمومی، انسجام و توازن فرهنگی؛

- آزادی مشارکت در امور عمومی و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی؛

- عدالت و امنیت قضایی برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

ج- نیازهای علمی و فرهنگی؛ چون:

- امکان آموزش و پرورش عمومی برای زندگی اجتماعی؛

- فرصت یادگیری دانش و معلومات تخصصی برای ارتقای کیفیت زندگی اقتصادی و اجتماعی؛

- فرصت تفریح و گردش برای حفظ سلامتی و روحیه زندگی؛

- فرصت و موقعیت برای رشد و شکوفایی خلاقیت‌های ادبی و هنری و ارتباط فرهنگی؛

- فرصت و موقعیت برای تکامل شخصیتی و تعالی روحی و معنوی.

به‌طوری که ملاحظه می‌شود، نیازهای فرهنگی در مفهوم وسیع شامل گروه «ب» و «ج» است، ولی نیازهای فرهنگی در مفهوم محدودتر تنها گروه «ج» را در بر می‌گیرد.

بدیهی است که توسعه و پیشرفت اقتصادی، امکان دسترسی به سطوح بالاتری از رفاه مادی و معیشتی را عملی ساخته، آزادی عمل بیشتری برای تخصیص منابع به خواست‌های اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کند.

از طرف دیگر، برخورداری از امکانات فرهنگی بیشتر سبب تسهیل و تسریع فرایند توسعه می‌شود و به ارتقای سطح زندگی مادی می‌انجامد.

در واقع، عملکرد کلی زندگی اجتماعی در چارچوب یک مدل تحلیلی نظری قابل تجسم است که عوامل اقتصادی، دانش و فن نماینده جنبه‌های سخت‌افزاری و فلسفه و فرهنگ نماینده وجه نرم‌افزاری جامعه هستند.

در قالب چنین تحلیلی، مسلم است که حصول نوعی تعادل و توازن در تعامل ساختاری اقتصاد و فرهنگ ضرورت داشته، به‌عنوان تنظیم‌کننده اصلی فرایند تکاملی توسعه مورد توجه خواهد بود.

اکنون به منظور ترسیم وضعیت مطلوب برای فرهنگ، می‌توان سرفصل‌های برشمرده در بالا را با توجه به فرصت‌ها و چالش‌هایی که برای هر یک از آن موارد مطرح شده

است، در نظر گرفت و کیفیت اصلاح و امور و رفع کاستی‌ها را در هر مورد بررسی کرد؛ به‌نحوی که با رفع نقایص و پیشگیری از تداوم مشکلات، حصول وضعیت مطلوب در بخش فرهنگ امکان‌پذیر باشد.

در مباحث مربوط به وضع موجود و فرصت‌ها و چالش‌های آینده، جهات عدیده‌ای از مسائل اجتماعی و فرهنگی عمومی مطرح و بررسی شد که براساس آن می‌توان وضع مطلوب و موردنظر در این زمینه را چنین خلاصه کرد:

استقلال و هویت فرهنگی

برای تبیین وضع مطلوب در این زمینه، چالش‌ها و فرصت‌های مربوط به آن موردتوجه قرار می‌گیرد:

- عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ ملی، تعریف و ابهامات و تضادها کنار گذاشته شوند.

- سازمان‌ها و نهادهای متولی فرهنگ عمومی و شرح خدمات و مسئولیت‌های هر کدام مشخص باشد.

- آثار و عواقب ارتباط فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها ارزیابی شود و راهکارها مشخص باشد.

- تعامل فرهنگی تعریف‌شده باشد و معلوم شود که در چه زمینه‌ای و با کدام فرهنگ‌ها، چگونه تعاملی موردنظر است.

- آسیب‌های فرهنگی شناخته‌شده باشند و برنامه‌های مشخص و معینی برای چاره‌جویی آنها تعریف شده باشند.

- سیاست فرهنگی ملی، روشن و مشخص باشد و سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی راهکارهایی هم‌سو و موافق با سیاست کلی برای خود داشته باشند.

- ظرفیت‌های فرهنگی، اخلاقی و بومی شناسایی شده، برنامه‌هایی مشخص برای معرفی و تقویت آنها وجود داشته باشد.

- عناصر فرهنگی سازگار با توسعه شناسایی شده، از ابزارهای انگیزشی و تشویقی اقتصادی برای تقویت و شکوفایی آنها استفاده شود.

نظم و امنیت عمومی و انسجام و توازن فرهنگی

آسیب‌ها و مشکلات ناشی از تشتت و گسیختگی‌های فرهنگی شناسایی و آثار و عوارض آنها ارزیابی شود. برنامه‌هایی مدون و مشخص برای پیشگیری و چاره‌جویی اینگونه

مشکلات وجود داشته باشد؛ به نحوی که حفظ نظم و امنیت و صیانت از اخلاق عمومی با بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی، تربیتی و ارشادی برای کودکان و نوجوانان امکان‌پذیر باشد.

لازمه موفقیت در این زمینه، طراحی و تدوین برنامه‌هایی جامع برای بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی و فرهنگی مانند خانواده، مدرسه و انجمن‌های غیردولتی در این زمینه است.

آزادی مشارکت در امور عمومی و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی

وضعیت مطلوب در این زمینه نیازمند حصول نوعی تعادل و توازن در عملکرد نیروهای سیاسی و اجتماعی در زمینه مباحث فرهنگی

است؛ به نحوی که اصل مسئولیت در مقابل آزادی به‌خوبی شناخته‌شده، ظرفیت‌های فرهنگی جامعه تنها در جهت پیشرفت و توسعه کشور به‌کار گرفته و از کدورت‌ها و اختلاف‌های غیر مولد پرهیز شود. تدوین و توسعه برنامه‌های آموزشی همگانی در جهت

تقویت فرهنگ قانون‌مداری و رعایت حقوق و مسئولیت‌های متقابل افراد، می‌تواند در دستیابی به حد بهینه و مطلوب در این زمینه مؤثر باشد.

عدالت و امنیت قضایی برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

وضع مطلوب در این زمینه مستلزم اصلاح و تقویت دستگاه قضایی به نحوی است که حصول عدالت اقتصادی و اجتماعی در سطحی معقول و متناسب با ارزش‌های فکری و فرهنگی جامعه، مقدور و میسر باشد و پیشگیری از تعرض، ناامنی، رفع فساد و بی‌عدالتی امکان‌پذیر شود.

بدیهی است که با اتکا به یک سیستم قضایی پیشرفته و کارآمد می‌توان به حصول بهره‌وری بیشتر در تولید و تجارت و باروری خلاقیت‌ها و استعدادهای علمی در عرصه فرهنگ نائل آمد و رشد ارزش‌های اخلاقی و معنوی را انتظار داشت که چنین تحولات مثبتی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور باشد.

چالش‌ها و مشکلات پیش روی دستگاه قضایی از یک طرف، ناشی از مشکلات و نارسایی‌های قوانین و فرآیند دادرسی بوده و از

سوی دیگر، معلول کمبود امکانات مالی، ضعف و محدودیت کادر قضایی متخصص است. در نتیجه حصول وضع مطلوب در این زمینه، مستلزم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات و نقایص مزبور است. در عین حال لازم به تأکید است که ایجاد و تقویت روحیه عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در عامه مردم و به‌ویژه در کادر قضایی و اداری، علاوه بر اقدامات قانونی و برنامه‌ریزی اجرایی، تا حدود زیادی به رشد فرهنگی و اخلاقی جامعه موکول بوده، ضرورت برنامه‌های آموزشی و تربیتی در سطحی وسیع را اقتضا دارد.

آموزش و پرورش عمومی برای زندگی اجتماعی

این مبحث شامل اولین مرحله از مباحث فرهنگی در مفهوم دقیق آن بوده، با توجه به نارسایی‌ها و مشکلات آشکاری که وجود دارد، دسترسی به وضع مطلوب را به اجرای برنامه‌ای وسیع در این زمینه موکول می‌کند.

دستگاه عریض، طویل و گسترده آموزش و پرورش هم از نظر امکانات مالی و مادی و هم از لحاظ عملکرد و محتوای برنامه‌های آموزشی و تربیتی آن، مشکلات و نارسایی‌های بسیار دارد. آموزش و پرورش مطلوب می‌تواند

گام اول را در برنامه‌های فکری و فرهنگی جامعه برداشته، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه و پیشرفت داشته باشد.

برنامه‌های تربیتی و درسی مناسب، کادر آموزشی و پرورشی برخوردار و علاقه‌مند از حقوق و مزایای مکفی، فضای آموزشی کافی و مهم‌تر از همه روش‌های پیشرفته آموزش و سنجش از ویژگی‌های موردنظر برای وضعیت مطلوب در آموزش و پرورش است.

جلب مشارکت عمومی برای ایجاد و اداره مدارس و سیاست‌گذاری برای اعطای یارانه‌های اقتصادی و معافیت‌های مالیاتی به ایجاد و اداره مدارس مردمی، و در عین حال پذیرش مخارج آموزشی خانواده‌ها به جای مالیات و عوارض دولتی، می‌تواند در رشد و شکوفایی آموزش و پرورش مؤثر باشد. ولی تغییر سیستم آموزشی و روش تدریس مستلزم برنامه‌ریزی اصلاحی و ترویج روش‌های مشوق خلاقیت به‌جای روش سنتی انتقال معلومات و سنجش محفوظات است.

دانش و معلومات تخصصی برای ارتقای زندگی اقتصادی و اجتماعی

این مباحث ناظر بر دانشگاه و آموزش عالی است و طبیعی است که موفقیت در این زمینه می‌تواند نویدبخش رشد و توسعه اقتصادی باشد. این بخش از فرهنگ نیز همانند آموزش و پرورش با چالش‌ها و بحران‌های جدی مواجه است؛ به نحوی که از یک طرف، کمبود امکانات آموزشی و کادر علمی دانشگاه‌ها جوابگوی تقاضای فزاینده جوانان مشتاق تحصیل نیست و از سوی دیگر، ضعف برنامه‌های آموزشی و پژوهشی کیفیت دانشگاه‌ها را در معرض تهدید قرار داده است.

اگرچه تدارک منابع مالی بیشتر برای دانشگاه‌ها ممکن است ظاهراً بتواند بحران کمبود امکانات علمی را تا حدی جوابگو باشد، ولی رسیدن به وضع مطلوب در این بخش مستلزم تعامل ساختاری اقتصاد با دانشگاه است. رشد و رونق تحقیقات علمی؛ به‌ویژه تحقیقات نظری در علوم پایه و اساسی، قدم اصلی و یگانه راه استقلال علمی و شکوفایی صنعتی و اقتصادی در بلندمدت است و از آنجایی که صنایع عموماً به تحقیقات کاربردی و زودبازده علاقه‌مند بوده، در تحقیقات نظری سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، حمایت دولت و بنیادهای خیریه از تحقیقات نظری دانشگاه‌ها اهمیت اساسی دارد. استقلال علمی دانشگاه و ایجاد محیط رقابت علمی میان مؤسسات دانشگاهی از ویژگی‌های وضعیت مطلوب در بخش علوم و آموزش عالی است.

تفریح، ورزش و گردش

این مباحث یکی از اساسی‌ترین مباحث فرهنگی است. جامعه‌ای که خوب تفریح نکند، اصولاً نمی‌تواند خوب فکر کرده و خوب کار بکند. گرچه ممکن است دستگاه برنامه‌ریزی محور جداگانه‌ای برای ورزش و تربیت بدنی داشته باشد، ولی ورزش نیز در شکل عمومی آن به‌عنوان یک تفریح سالم مانند آموزش عمومی دارای ارزش فرهنگی است. وضع مطلوب در این بخش مستلزم شناسایی زمینه‌های مساعد برای تفریح، ورزش و گردش با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی بومی و برنامه‌ریزی و تخصیص منابع در حد مقدرات اقتصادی جامعه است. بدون تردید

مطالعه و برنامه‌ریزی برای ترویج تفریحات سالم و مفید و سازگار با فرهنگ ایرانی می‌تواند قدم مؤثری در زمینه‌سازی خودکفایی فرهنگی بوده، با پیشگیری از عوارض نامطلوب کالاهای فرهنگی بیگانه، صرفه‌جویی‌های قابل‌ملاحظه‌ای در هزینه‌های اجتماعی همراه داشته باشد و در عین حال با کمک به سلامت روحی و فکری جامعه، آثار مثبت و ارزنده‌ای در فعالیت‌های تولیدی اقتصاد داشته باشد.

از طرف دیگر، بخش تفریحات سالم و گردشگری به‌عنوان یک بخش مولد اقتصادی می‌تواند علاوه بر ارزش و اهمیت فرهنگی، از نظر ایجاد رونق و اشتغال در اقتصاد نیز حائز اهمیت ارزیابی شود.

خلاقیت‌های ادبی و هنری و ارتباطات فرهنگی

ادبیات و هنر، هسته مرکزی فرهنگ را تشکیل می‌دهند. گرچه ارتباط این مباحث با مباحث توسعه و پیشرفت اقتصادی ملموس و صریح نیست، ولی هویت فرهنگی ملت‌ها و ارزش و اعتبار فرهنگ‌ها مدیون زبان، ادبیات و هنرهای ملی آنهاست.

ارزش و اعتبار تمدنی و فرهنگی ایران به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران تمدن بشری بر کسی پوشیده نیست، ولی چالش‌های جدی در زمینه فرهنگ، ارتباطات و رواج زبان‌های بیگانه در عرصه علوم و فناوری و مغفول ماندن ادبیات ایرانی در میان جوانان و دانشجویان از عواملی هستند که وضع موجود در این زمینه را به‌طور محسوس‌ی آسیب‌پذیر ساخته، تدوین و اجرای برنامه‌های خاص را برای دستیابی به وضع مطلوب ضروری می‌نمایند. ایجاد و توسعه برنامه‌های ادب، فلسفه و فرهنگ ایرانی در دانشگاه‌ها، محافل علمی و فرهنگی جهان و همچنین حمایت و تشویق استادان و پژوهشگران ایرانی و خارجی در این زمینه می‌تواند در تحقق وضع مطلوب مؤثر بوده، زمینه‌ساز تبادل فرهنگی مفید و مؤثر با فرهنگ‌های بیگانه باشد. رشد این بخش از فرهنگ ایرانی بی‌تردید می‌تواند در تقویت هویت فرهنگی و رواج ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی ایران در داخل و خارج مؤثر بوده، به سهم خود در اعتلای نام و جایگاه ایران در جامعه جهانی مفید واقع شود.

بالاخره مهم‌ترین و بارزترین نقش این مبحث از فرهنگ، شناسایی و ترویج ارزش‌های سنتی فرهنگ ایرانی در میان کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی در مدارس و دانشگاه‌هاست که بی‌تردید علاوه بر تقویت مبانی اخلاقی و شخصیتی آنها می‌تواند در ارتقای بهره‌وری اقتصادی و رواج روحیات سازگار با پیشرفت و توسعه اقتصادی نیز مفید و کارساز باشد.

تکامل شخصیتی و تعالی روحی و معنوی

در این عصر که مادیگری و کوته‌بینی مصائب و مشکلات فراوانی برای بشریت به‌وجود آورده است، توجه به اخلاق، معنویت و ارزش‌های متعالی فرهنگی یکی از مؤثرترین راه‌های حفظ سلامت روحی و فکری جامعه در برابر آسیب‌های اجتماعی است.

اگرچه تأکید بر ارزش‌های معنوی و اخلاقی در گفتارها و نوشتارهای سال‌های اخیر تا حد زیادی در حساسیت جوانان در این زمینه مؤثر بوده است، ولی چالش‌های ناشی از ناکامی‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی از یک‌سو و برخی نارسایی‌های کیفی در برنامه‌های آموزشی و پرورشی از سوی دیگر، ضرورت برنامه‌ریزی واقع‌بینانه‌تری را در زمینه آموزش نظری و عملی در این بخش مطرح ساخته است.

تقویت برنامه‌های درسی و دانشگاهی، تحلیل مسائل عینی بر اساس تعالیم اخلاقی در خلال مباحث این درس‌ها و تدوین و ارائه برنامه‌های عملی و فرهنگی ناظر بر ارزش‌های معنوی از طریق وسایل ارتباط جمعی می‌تواند در تحقق وضع مطلوب تا حدی راهگشا باشد و بدیهی است که ارزش و اهمیت اعتقادات صحیح علاوه بر جنبه‌های معنوی آن در جنبه‌های مادی و معیشتی زندگی نیز ظاهر شده و از طریق اصلاح روابط اجتماعی و افزایش بهره‌وری اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده فرایند توسعه موردتوجه خواهد بود.

راهکارها و سیاست‌ها

برنامه‌ریزی بلندمدت و خط‌مشی‌های اساسی

از آنجایی که تحولات فرهنگی و اجتماعی - به‌ویژه فرهنگ عمومی جامعه - تحت تأثیر برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های کلی دولت است،

به نظر می‌رسد که دستیابی به وضع مطلوب در بخش فرهنگ نیز تا حدود زیادی متأثر از اصلاحات اساسی و سامان‌دهی اصولی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمومی کشور خواهد بود.

راهکارها و پیشنهادهای اصلی طرح‌شده طی جلسات هم‌اندیشی میانی فرهنگی توسعه، تحت سرفصل‌های زیر قابل طبقه‌بندی است:

فرهنگ عمومی

- ارائه الگوی فرهنگی و اخلاقی برای جوانان در صداوسیما و مطبوعات پیش از آنکه بیگانگان الگوی رفتاری ناپسند بدهند.

- ارائه جلوه‌های متنوع از ارزش‌های فرهنگی مطلوب به جوانان همچون علم‌باوری و اخلاق از طریق رسانه‌های جمعی و مطبوعات.

- تقویت نهادهای فرهنگی بومی و احیای ارزش‌های سنتی ایرانی و بهنگام کردن آنها در جامعه معاصر از طریق رسانه‌های جمعی و مطبوعات.

- اهتمام به افزایش مشارکت مردمی و تشویق مسئولیت‌پذیری افراد در امور فرهنگی و اجتماعی از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های جمعی.

- حمایت از فعالیت‌های فرهنگی اصیل و سنتی در مناطق و نواحی کشور از طریق وزارت ارشاد و دیگر نهادهای مسئول.

- تأکید بر وقت‌شناسی و صرفه‌جویی در زمان و سعی در استفاده بهینه از آن از طریق مدارس، مساجد و رسانه‌های جمعی.

- ترویج روحیه رشد پیوسته و تدریجی و مقابله با روحیه دستیابی فوری به ثروت بادآورده از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها.

- ترویج احترام به ارزش ثروت‌های واقعی حاصل از کار و تلاش از طریق مدارس و رسانه‌ها.

- ترویج فرهنگ نظم و دقت و سازمان‌دهی در کار از طریق مدارس و رسانه‌های جمعی.

- شناسایی و چاره‌جویی ضعف‌های فرهنگی، خودباختگی‌ها و تقلید و خرافات از طریق مدارس و رسانه‌های جمعی.

- معرفی بیشتر تاریخ، هویت و تمدن کشور؛ به‌ویژه برای نسل جوان از طریق مدارس و رسانه‌های جمعی.

- معرفی روش‌های صحیح استفاده از

امکانات و تجهیزات جدید ارتباط فرهنگی و گسترش

جنبه‌های مثبت آن از طریق سازمان‌های مسئول و رسانه‌های جمعی.

- سعی در مقابله با فرهنگ اباحیگری، بی‌تفاوتی و بی‌غیرتی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات.

- اهتمام به حفظ قداست و انسجام خانواده و تسهیل شرایط اقتصادی و فرهنگی تشکیل خانواده.

- ترویج ورزش عمومی و مبارزه با پدیده‌های ناسالم اجتماعی از جمله اعتیاد.

- شناسایی و تقویت آموزه‌های فرهنگی سازگار و مساعد با توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی از طریق مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها.

- ترویج حیطه امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک سیستم نظارتی همگانی از طریق مدارس، مساجد و رسانه‌ها.

- ترویج و تشویق انگیزه‌های خودکنترلی و تقوای اخلاقی در مردم و مسئولان اداری و اجرایی از طریق مدارس، مساجد و رسانه‌ها.

- تقویت روحیه وفاق ملی در افکار عمومی و استفاده از رسانه‌های جمعی در جهت تقویت وحدت ملی.

- ترویج نظم‌پذیری جمعی و ترغیب و تشویق قانون‌مداری از طریق سیستم آموزشی و رسانه‌های جمعی.

- ترویج روحیه کار و تلاش؛ اعم از کارهای یدیی و فکری و مقابله با تمایلات گریز از کار از طریق مدارس و رسانه‌ها.

- تقویت روحیه اعتمادبه‌نفس و توانمندی نیروهای داخلی در فرایند توسعه از طریق نظام آموزشی و رسانه‌های جمعی.

فرهنگ آموزش و پژوهش

- آموزش روابط صحیح اجتماعی و خانوادگی در جهت کمک به تحقق اهداف توسعه در برنامه‌های مدارس، مساجد و دانشگاه‌ها.

- تأکید بر فکر و اندیشه و خلاقیت در نظام آموزشی و جایگزین کردن آن به‌جای محفوظات.

- استفاده از الگوهای ترغیبی و تشویقی در تعلیم و تربیت و پرهیز از تحکم و القای نظر قطعی.

توسعه‌ای را
که بر شرایط
فرهنگی، اجتماعی،
اقتصادی و
زیست‌محیطی
هر کشور استوار
باشد، می‌توان
«پایدار» نامید.

توسعه اقتصادی
در گرو توسعه
فرهنگی است و
فرهنگ از طریق
ایجاد انگیزه‌های
کار و تلاش و
ارزش‌گذاری
تولید بر زندگی
اقتصادی جامعه
اثر مستقیم دارد.

- سفارش کارهای تحقیقاتی مربوط به برنامه توسعه به دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی دولتی و غیردولتی.

- سرمایه‌گذاری در اصلاح نظام آموزش و پرورش در جهت سازگار کردن تعلیم و تربیت با برنامه‌های توسعه جهت نیل به جامعه مطلوب.

- ایجاد و تقویت انجمن‌های علمی به‌عنوان نهادهای فرهنگ‌آموزی.

- توجه بیشتر به وضع معیشت و منزلت اجتماعی به معلمان به‌عنوان افرادی که فکر و اندیشه و فرهنگ عمومی را جهت می‌دهند.

- اجرای روش‌های علمی به‌صورت ارائه مدل‌های معینی برای تعلیم و تربیت.

- ترویج نگرش علمی و فرهنگ خلاقیت و نوآوری در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها.

- تلاش در جهت تبادل علمی بیشتر حوزه و دانشگاه و گسترش همکاری علمی این دو نهاد در حل و فصل مسائل اجتماعی.

- گسترش پژوهش‌های کاربردی کارآمد و مفید در جهت توسعه علمی و فنی کشور.

- ترویج فرهنگ تولید علم و تشویق خلاقیت و نوآوری.

- تقویت عناصر فرهنگی بومی در نظام آموزشی کشور از ابتدایی تا دانشگاه.

- بازنگری کتب و متون درسی نظام رسمی آموزش کشور از دیدگاه آموزه‌های فرهنگ بومی کشور.

- مقابله با مدرک‌گرایی و علم‌زدگی در نظام آموزشی کشور.

- ایجاد بوستان‌های علمی برای ارائه خدمات به نسل جوان و علاقه‌مندان به فناوری اطلاعات (IT).

فرهنگ اداری و اجرایی

- رعایت جدی اصل پاداش و مجازات در نظام اداری.

- بررسی و استنتاج روش‌هایی برای تبدیل اخلاق نظری به اخلاق عملی در نظام اداری از طریق اعمال مقررات اداری و استخدامی.

- مشخص کردن سازمان‌ها و نهادهای متولی فرهنگ در هر یک از مؤلفه‌های آن.

- کاهش مداخلات دولت در فرهنگ و پرهیز از سیاسی کردن امور فرهنگی.

- تشکیل و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) در زمینه فرهنگی با نظارت عالی دولت.

- اهمیت‌دادن به کیفیت، علاوه بر کمیت در امور اداری، اجرایی و برنامه‌های توسعه.

- اصلاح ساختار اداری و حقوقی برای مبارزه با رانت‌جویی و فساد مالی و تشویق روحیه کار و تلاش.

- تدوین برنامه و اقدام اجرایی قاطع علیه وابسته‌سالاری در نظام اداری و اجرایی کشور.

- تدوین روش‌های کارآمد برای ارزیابی فعالیت‌ها و برنامه‌های دولت و پاسخگویی به خواست‌های مردم.

- به‌کار بستن روش‌های مؤثر جهت مقابله با رشوه، فساد، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری دولتی.

- تفکیک وظایف سیستم نظارتی و کنترلی از دستگاه اجرایی در نظام اداری کشور.

- مقابله با اشرافی‌گری دولتی و ریخت و پاش در نظام اداری.

- تقویت سیستم سالم اداری و قضایی برای مقابله با قاچاق و رانت‌خواری و سایر مفاسد مالی و اقتصادی.

- ترویج شایسته‌سالاری و به‌کارگماردن افرادی که قواعد اخلاقی را رعایت کنند.

- تعیین شرح خدمات هر یک از سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی به تفکیک و ایجاد تعادل و تناسب میان اختیارات و مسئولیت‌ها.

- ساده‌سازی قوانین و انتشار و توزیع عمومی آنها برای اطلاع مردم.

- حذف اختیارات تصمیم‌گیری در مسائل مالی از قوه مجریه و واگذاری انحصاری آن به مجلس.

- رفع تناقض قوانین و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و علنی و آشکار کردن بخشنامه‌ها و مقررات ضمنی و غیرصریح.

- تقسیم کار صحیح در موضوعات مشابه دستگاه‌های دولتی و حذف فعالیت‌های موازی.

- ایجاد نظام اطلاع‌رسانی با استفاده از فناوری جدید برای آگاهی‌دادن به عامه مردم.

- نهادینه کردن «برنامه‌ریزی فرهنگی» در نظام برنامه‌نویسی کشور به منظور طراحی استراتژی و برنامه مدون فرهنگی.

- تأکید بر ضرورت هماهنگی میان گفتار و کردار مسئولان و پاسخگویی شفاف مجریان به مردم.

فرهنگ اقتصادی و اجتماعی

- تقویت بینش‌های اجتماعی و نوع‌دوستانه در امور اقتصادی و تولیدی از طریق اجرای سیاست‌های تشویقی و انگیزشی مناسب در سازمان‌های سیاستگذار اقتصادی.

- انتخاب و گزینش فناوری‌ها با مزایای نسبی بیشتر از نظر سازگاری با شرایط اقتصادی و فرهنگی کشور.

- تقویت نظام ارزیابی فعالیت‌ها در برنامه‌های توسعه و استفاده از شاخص‌های علمی و معنی‌دار برای ارزیابی پیشرفت فعالیت‌ها.

- معرفی شاخص‌های کیفی علاوه بر شاخص‌های کمی موجود برای سنجش پیشرفت و توسعه در امور فرهنگی.

- توسعه همکاری مؤثر صنعت و دانشگاه برای پیشبرد پروژه‌های صنعتی از طریق هماهنگی مستمر وزارت علوم با سازمان‌های صنعتی.

- استفاده بیشتر و بهتر از روش‌های اقتصادی؛ مانند هزینه-فایده در بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی.

- ترویج و تشویق آموزش‌های فنی، حرفه‌ای و تخصصی متناسب با نیازهای توسعه اقتصادی کشور.

- ترویج روحیه آینده‌نگری و دوراندیشی و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مولد از طریق تنظیم آموزشی و رسانه‌ها.

- تعریف و ارزیابی مستمر شاخص‌های گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌های دولت.

- سامان‌دهی نظام جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آمار و اطلاعات اقتصادی و اجتماعی و پرهیز از ارائه آمارهای متناقض و گمراه‌کننده.

- شناسایی و معرفی فعالیت‌های اقتصادی اشتغال‌زا و تشویق و راهنمایی کارآفرینان و سرمایه‌گذاران از طریق رسانه‌های جمعی.

- ترویج و تبلیغ کالاهای داخلی به منظور تشویق تولید ملی.